



رکن چهارم دموکراسی در خدمت دیکتاتوری حزبی

رسانه‌های آمریکایی چطور ساختار سیاسی این کشور را در بحران انتخابات ریاست جمهوری حفظ کردند؟

به قلم: سمانه اکوان

صفحه ۲



کلام شهید | سید مرتضی آوینی

در دنیا هیچ چیز به طور کامل منطبق بر خواسته‌های انسان وجود پیدا نمی‌کند و احادیثی چون *الکمال فی الدنیا مفقود* و *یا عرفت الله سبحانه* بفسخ العزائم هابه همین حقیقت اشاره دارند. اما در واقعیت سینمایی لاجرم گل‌ها بی‌خارند و خارها نیز بی‌گل... و اگر هم فیلمساز بخواهد خود را ملتزم به واقعیت خارج نگاه دارد، باز هم به طور کامل موفق نمی‌شود و اصلاً باید اذعان داشت که چنین انتظاری از سینما بیهوده است. حتی «سینمای مستند» نیز با آنکه از قابلیت بیشتری برای نزدیک شدن و وفادار ماندن به واقعیت برخوردار است از این قاعده خارج نیست،



سخن سردبیر

مهم‌ترین شاخصه دموکراسی در هر کشوری انتخابات آن کشور است. از بزرگترین شعارهای انتخاباتی آمریکا، مردم سالاری و اهمیت نظر مردم و احترام به جایگاه انسان هاست. کشور های غرب زده، در اقصی نقاط جهان در توجیه حمایت از قبله‌ی آمالشان، آمریکا، دموکراسی صحیح، و آزادی در این کشور را مثال میزنند، این در حالیست که خود آمریکا، بسیاری از همین کشور های غرب زده را، وقتی تاریخ مصرفشان به اتمام رسید، به بهانه‌ی عدم آزادی و فقدان دموکراسی در آنها توسط کودتا یا شورش های رنگی ساقط کرده است. چیزی که در انتخابات اخیر آمریکا مشهود بوده، این است که رسوایی بزرگی برای کشوری که خودش را مهد دموکراسی میداند به وجود آمده، کشوری که در آن تقلب بزرگی اتفاق افتاده و هر روز بر ابعاد این رسوایی افزوده میشود تا آنجا که رئیس جمهور فعلی آمریکا، به فساد سیستم انتخاباتی این کشور اعتراف میکند. براساس شواهد موجود در انتخابات اخیر مردم آمریکا دو قطبی شده و هر قطبی از یک نامزد حمایت میکنند و افتضاح در حدیست که هم در انتخابات دور قبل و هم در این دوره، علیرغم اینکه آن کشور، این همه دم از حقوق مردم و دموکراسی میزند، کسی را به عنوان رئیس جمهور انتخاب کرده که دارای رأی کمتری میباشد و این سیستم رأی گیری آمریکا، کاملاً خلاف شعار های خود بوده و عکس آن را انجام میدهد. بنابراین کشور ها و ملت های آزاده بدانند که شعار های آمریکا، چیزی جز وعده هایی پوچ و فریبنده نیست و اعتماد به آنها، تنها هدر دادن فرصت ها و رفتن به ناگجا آباد است

محمد جواد کریمیان



در این شماره | می خوانیم ..

دغدغه‌های یک دانشجوی ارتباطاتی

سالانی است که ما در دانشکده ارتباطات مشغول تحصیلیم و پیرامون مباحث ارتباطی رسانه ای

صفحه ۳

آمارزدگی رسانه

در یکی دو ماه اول همه گیری کرونا در کشور، روزانه دهها یادداشت، ...

صفحه ۳

سواد رسانه و درک پیام

سواد رسانه ای (Media Literacy) مجموعه‌ای از مهارت‌های قابل یادگیری

صفحه ۴

رسانه‌های آمریکایی چطور ساختار سیاسی این کشور را در بحران انتخابات ریاست جمهوری حفظ کردند؟

رکن چهارم دموکراسی در خدمت دیکتاتوری حزبی

سمانه اکوان



گذشته بود، گرفته شد. ضربه‌ای که ترامپ به جایگاه دموکراسی آمریکایی در جهان وارد کرد - گرچه هنوز برنامه‌هایش به انتهای راه نرسیده و امکان دارد شاهد شکل‌گیری اتفاقات هیجان‌انگیز بیشتری در فضای سیاسی آمریکا باشیم - تاکنون در تاریخ آمریکا بی‌نظیر بوده است. رسانه‌ها که حالا از رکن چهارم دموکراسی در آمریکا به رکن اصلی مقابله با آزادی بیان تبدیل شده و پازل دیکتاتوری حزبی در این کشور را تکمیل می‌کنند، به این نتیجه رسیده‌اند که باید فکری به حال دوران پسا انتخابات ۲۰۲۰ و پساترامپ کرد. ترامپ چه بماند و چه برود، سیستم و ساختار سیاسی آمریکا دیگر نمی‌تواند ضربات سیاسی دیگری مانند آنچه ترامپ به آن وارد کرده بود را تحمل کند و رسانه‌ها که در خدمت دو حزب اصلی آمریکا هستند، تلاش دارند چهره کریه دموکراسی به شیوه آمریکایی را تا حدی بزرگ کنند که بتوانند همچنان برای آینده کشورهای دیگر و آینده دنیا و سیستم مدیریت جهانی نسخه بیچند.

داستان رسانه‌های آمریکایی و حفظ منافع ملی آمریکا در هر شرایطی، داستانی طولانی، در بسیاری از موارد باورنکردنی و درعین حال سرشار از روایت‌های ناصحیحی است که تاریخ دنیا را تا حد زیادی تغییر داده است. این بار بومرنگ دروغ و نیرنگ به سوی سیستم سیاسی داخلی آمریکا بازگشته است و این رسانه‌ها که تا به حال دستور داشتند در کشورهای دیگر روایت‌های مدنظر آمریکا را رواج دهند، این بار مسیر خود را تغییر داده و به سمت افکار عمومی داخل آمریکا چرخیده‌اند تا روایتی حکومتی را از ریشه‌های دولت عمیق آمریکا گرفته و مردم این کشور را برای دنیای پسا ترامپ آماده سازند.

در نهایت مشاهده کرد که رسانه‌ها چه در جبهه دموکرات و چه در جمهوری خواه در تقابلی شدید با او قرار دارند. او حالا این بار در انتخابات سرنوشت‌ساز ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰، در مقابل تمام جبهه‌های سیاسی موجود در واشنگتن و رسانه‌ها تنها مانده بود و استفاده او از شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز نتوانست باعث شود صدایش به مخاطبین آمریکایی برسد زیرا دموکرات‌ها برای شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی مانند فیس‌بوک، توئیتر و اینستاگرام، برنامه‌های خاص خود را داشتند تا مانع از این شوند که این بار مانند سال ۲۰۱۶، ترامپ از آن‌ها برای تبلیغات خود بهره بگیرد.

نگاهی به عملکرد رسانه‌های سنتی و رسمی آمریکا و همچنین رسانه‌های نوین مانند شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در طول دوره تبلیغات انتخاباتی و پس‌از آن نشان می‌دهد که دموکرات‌ها و تا حدی ساختار سیاسی آمریکا به این نتیجه رسیده بود که برای حفظ آبروی اندک باقی‌مانده از دموکراسی آمریکایی به عنوان «کهن‌ترین دموکراسی جهان» باید جلوی انتشار سخنانی‌های ترامپ، توئیتهای او و ادعاهایش در مورد تقلب در انتخابات گرفته شود. آن‌ها دریافته بودند روایت ترامپ از فاسد بودن سیستم سیاسی موجود در واشنگتن و همچنین فساد سیاسی موجود در رسانه‌ها، برای حفظ همان باقی‌مانده اعتماد مردم به سیستم سیاسی آمریکا باید تخطئه شده و جلوی انتشار آن به هر قیمت گرفته شود. به همین ترتیب بود که صحبت‌های ترامپ و یا سخنگوی کاخ سفید در خصوص تقلب‌های انتخاباتی در برخی از ایالت‌های آمریکا پوشش داده نشده و یا جلوی پخش مستقیم این اظهارات در تلویزیون‌های مختلف سیاسی و حتی فاکس نیوز که رسانه مورد علاقه ترامپ و از حامیان او در چهار سال

اگر مقالات علمی مربوط به نقش رسانه در انتخابات‌های مختلف را بررسی کنید، به این نتیجه می‌رسید که رسانه‌ها و مطبوعات به عنوان رکن چهارم دموکراسی در جهان، نقش بسیار بالایی در تحکیم دموکراسی و تشویق حکومت‌های مختلف به توجه به حق تمام اتباع کشورشان در رأی دادن و گسترش دموکراسی در کشورهای مختلف دارند. با این حال رسانه‌ها در زمین انتخابات و به‌دوراز تئوری‌های علمی، نقش دیگری نیز دارند و آن تهییج مردم و تشویق آن‌ها به رأی دادن به نامزدی در انتخابات است که بیشترین قرابت را با خط‌مشی‌های روزنامه و یا منافع رسانه‌های وابسته به یک حزب خاص دارد. زمانی که کار به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا می‌گردد به دلیل ساختار اقتصادی مبتنی بر سرمایه‌داری در این کشور، با رسانه‌هایی سروکار داریم که اکثراً خصوصی بوده و در نهایت وابسته به دو حزب جمهوری خواه و دموکرات هستند و وظیفه‌شان تبلیغ کاندیداهای مدنظر حزبی در هر دوره از انتخابات است. به این ترتیب در هر دوره از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا انتظار می‌رود که رسانه‌های لیبرال یا وابسته به حزب دموکرات، به تبلیغ کاندیدای مدنظر خود پرداخته و رسانه‌های وابسته به جمهوری خواهان نیز به همین ترتیب رویکردی تقابلی را در پیش گیرند.

انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۱۶ اما صاف‌بندی رسانه‌ها در انتخابات‌ها را تا حد زیادی دچار تغییر و دگرگونی ساخت. ترامپ که از همان روزهای ابتدایی وارد شدنش به کاخ سفید رسانه‌های مخالف خود را «رسانه‌های جعلی» و «رسانه‌های دروغ‌پرداز» خوانده و بارها با نمایندگان رسانه‌های مختلف در کاخ سفید وارد دعوا و درگیری شخصی شده بود، بعد از گذشت ۴ سال درگیری مداوم،

دغدغه های یک دانشجوی ارتباطاتی

شکسجوان



سالانی است که ما در دانشکده ارتباطات مشغول تحصیلیم و پیرامون مباحث ارتباطی رسانه ای بحث میکنیم اما هنوز اندک نکاتی است که خاطرم را هر از چندگاهی مغشوش میسازد. در کشور کهن ایران عالمان و فرهیختگان هنوز به ساخت علمی ارتباطات پی نبرده اند و به آن اهتمام نمیورزند. البته این خصلت در میان ایران و ایرانیان مسبوق به سابقه است که نسبت به مسائل مستحدثه و جدید تا مدتی کم توجه و بی تفاوت میمانند تا آن مسئله در سایر بلاد جای خود را باز کند و اینگونه در نزد آنان دارای اهمیت میگردد. در باب این مهم همین بس که در اقصی نقاط دنیا و در دورترین بلاد کفر آن به آن لحظه به لحظه برسختی و ارزش علم ارتباطات افزوده میشود و این فزونی تا جایی پیش رفته است که ابر قدرتها را زیر بیوغ خود برده است و آن ها نیز به ناچار در این گود میدان قدم برمیدارند که به واسطه آن شاهد این حجم عظیم پروپاگاندا هستیم. اما در این خطه و در میان قشر نخبگانی برای این علم از القاب خاصی چون علم گلدوزی یا علم زندگی) به معنای استفاده تام از لذات زندگی به واسطه کم کاری (استفاده میشود که این خود مایه شرمساری و تائزاست. این در حالی است که در همان بلاد کفر و نقاط دور دنیا دیده شده است که برای ورود به این رشته سینه چاک داده اند و پیراهن دریده اند. اما به واقع ارتباطات چیست؟ ارتباطات علم روابط میان انسان ها و نحوه شکل گیری و ادامه این روابط در میان انواع اجتماع های انسانی است. گاهی دو نفره، گاهی توده، گاهی انبوه خلق و از این حیث رسانه ها، تلویزیون، سینما، روابط میان کشورها و به قول جناب مک لوهان حتی یک اندک لامپ وسایل این ارتباط هستند و در این روابط تاثیر گذاری خود را دارند. حال این که چرا در این خطه فقط یک دانشکده ارتباطات داریم یا چرا هنوز جمع کثیری از مردم در رابطه با وجود این رشته نمیدانند را خدا میداند. این در حالی است که در ایران نیاز واقعی به متخصصین این رشته هست چرا که ما تماشاگر کاهش روز به روز مقبولیت رسانه های جمعی داخلی هستیم و یکی از دلایل مهم آن این است که این رشته را نادیده و کم توان و کم اهمیت پنداشته ایم. به امید این که روزی برسد که ایران در حوزه رسانه از سرآمدین جهان باشد.

آمار زندگی رسانه

عرفان رجبی



وجود ما رخنه کرده است که جنس دلگرمی حاصل از کاهش اندک قیمت دلار همان خاصیت را برابمان دارد که کاهش چند نفری تعداد جانباختگان کرونا. جان از دست رفته هموطنان را دستاویز نمایش در نمودارهایی می کنیم که می گویند هر انسان صرفاً یک «عدد» است و بس.

تبدیل شدن مرگ و میر و جان انسان ها به شاخصی برای تحلیل موفقیت یا شکست برنامه های مرتبط با سلامت اگرچه کارکردی سیاسی دارد، اما غوطه وری فعالین اجتماعی در ورطه افراط گرایانه «انسان آمار» بسیار دردناک و تأسف بار است. مرگ هر انسان به تنهایی فاجعه ایست بزرگ که هرگز قابل جبران نیست و در همین راستا «عادی پنداری» جان باختن روزانه دهها هموطن، به مراتب بحرانی عمیق تر از خود کرونا و اثرات آن است. به نظر می رسد فعالین اجتماعی پس از فروکش نمودن هیجانات و مسئولیت پذیری ابتدایی خود از لزوم واکنش به مسئله کرونا، مدت هاست در نوعی «گیجی، بهت و خالی شدگی تحلیلی» مواجهه دارند. آنها عموماً احساس می کنند تمام گفته ها را همان ابتدا گفته اند و دیگر چیزی برای پرداختن نیست. این خلاء حضور تحلیلی آنها در فضای عمومی جامعه باعث عادی پنداری و عادی سازی بحران کرونا و تبعات جانی آن شده است.

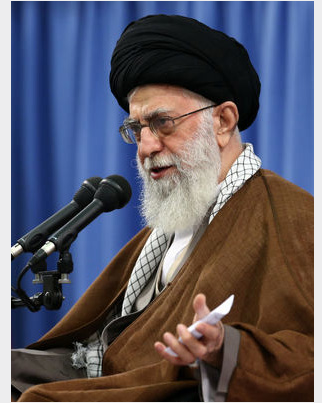
امروز بیش از هر زمانی دیگر، جامعه نیازمند روبروشدن با تحلیل و فهم پذیری روزآمد مفاهیمی چون ارزش و کرامت زندگی و زنده بودن، مسئولیت و هوشیاری اجتماعی، رسالت در سلامت عمومی، زیستن در شرایط اضطرار، تسری امید اجتماعی و ... هستیم و نیاز داریم با فهم شکست شعارهای مضحک و ایدئولوژیک زده ای چون «کرونا را شکست می دهیم» خود و تصمیم گیران را از خواب آمار زندگی ها و عادی پنداری مرگ هموطنان بیدار نماییم

در یکی دو ماه اول همه گیری کرونا در کشور، روزانه دهها یادداشت، تحلیل و تفسیر کرونایی توسط فعالین حوزه عمومی در زمینه های مختلف در فضای رسانه ای کشور نگاشته و توزیع می شد. از تأثیر کرونا بر دینداری گرفته تا تأثیر آن بر جلوه های عینی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زندگی روزمره. اما با گذشت ماه های ابتدایی، به تدریج از تعداد یادداشت ها و تحلیلی های کرونایی کاسته شد به گونه ای که در این اواخر به ندرت اثری از توجه، اهمیت و پرداخت به بحران کرونا در روایت های روشنفکرانه فعالین اجتماعی جامعه به چشم می خورد. این موضوع در حالی اتفاق می افتد که در ابتدای بحران کرونا تنها چند شهر درگیری جدی با کرونا داشتند اما در ماه های اخیر همه ایران درگیری جدی و شدیدی را تجربه می کنند. به طوری که روزانه صدها خانوار در غم از دست دادن عزیزانشان سوگوار و ده ها هزار خانواده دیگر در اضطراب و تشویش بهبودی اعضای خانواده خود به سر می برند.

به راستی چگونه است که در ابتدای این بحران، فعالین ما رسالت اجتماعی خویش را در تحلیل ها و تفسیرها می دیدند اما امروز که غرق در بحران هستیم قلم ها را رها کرده اند و تنها به بازخوانی رکورد زدن هایمان در تعداد مبتلایان و جانباختگان مشغول اند؟! اگر نگاهی سطحی به شبکه ها و کانال های تحلیلی و خبری بیندازیم به جز روز شمار آمار کرونا توسط وزارت بهداشت و اخباری از فوت دردناک هموطنان در مناطق مختلف، نمودی از بحرانی به نام کرونا در آنها دیده نمی شود. گویا با افزایش و رکورد زنی لحظه ای تورم و عمیق تر شدن بحران اقتصاد و معیشت، این آمادگی ذهنی نیز فراهم شده است که به طور طبیعی بحران کرونا و افزایش مرگ و میر ناشی از آن نیز گسترده شود. آنقدر آمار زندگی و عدد و رقم پرستی در عمق

کلام رهبری

انحطاط سیاسی و مدنی و اخلاقی رژیم آمریکا



انصافاً رژیم آمریکا بشدت دچار انحطاط سیاسی و انحطاط مدنی و اخلاقی است. این هم تحلیل نیست؛ این [مطلبی] که من میگویم، این جور نیست که حالا تحلیل باشد؛ این را خودشان میگویند؛ این حرف سخنگویان خودشان و نویسندگان خودشان و صاحبان فکر از داخل خود آمریکا است؛ آنها این حرف را میزنند. در این چند سال چند کتاب نوشته‌اند، با تیراژهای بالا در داخل آمریکا منتشر شده که برخی پرده‌ها را این کتابها بالا میزند. یکی از این کتابها را که به فارسی ترجمه شده، بنده خواندم؛ پُر از شواهد همین انحطاط است؛ یعنی واقعاً [اگر] کسی آن کتاب را بخواند، [میبیند که] اول تا آخر کتاب نشان‌دهنده انحطاط نظام سیاسی آمریکا با حرکات رئیس‌جمهور آمریکا است. این امپراتوری این جوری دیری نخواهد پایید؛ معلوم است که وقتی کار یک سیاست، کار یک رژیم به اینجا رسید، این دیگر خیلی عمر طولانی نخواهد کرد و منهدم خواهد شد. البته بعضی‌ها ایشان هستند که اگر سر کار بیایند زودتر منهدم میکنند، بعضی هستند که اگر سر کار بیایند ممکن است یک خرده دیرتر منهدم بشود؛ لکن به هر حال این حقیقت است

سواد رسانه و درک پیام

محتوای تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها، مجلات، کتاب‌ها، بیلبوردهای تبلیغاتی، اینترنت و سایر رسانه‌های مستقل خواهند شد. آن‌ها هم چنین می‌توانند رسانه‌های خود را ایجاد کرده و در شکل‌گیری فرهنگ رسانه‌ای مشارکت فعالانه داشته باشند، این امر سبب می‌شود مردم از حالت مصرفی خارج شده، از رسانه‌ها به صورت هوشمندانه‌ای بهره‌مند شوند.

سواد رسانه‌ای (Media Literacy) مجموعه‌ای از مهارت‌های قابل یادگیری است که به توانایی دسترسی، تجزیه و تحلیل و ایجاد انواع پیام‌های رسانه‌ای اشاره دارد و یک مهارت ضروری در دنیای امروزی به شمار می‌رود. برای حرکت در محیط رسانه‌ای پیچیده امروز باید قادر به درک بهتر پیام‌های رسانه‌ای باشیم. افراد، با سواد رسانه‌ای قادر به کشف پیام‌های پیچیده‌ی موجود در

یادی از حضوری بودن دانشگاه



خدمت رسانی گروه جهادی بسیج دانشگاه علامه طباطبائی به مردم سیل زده‌ی آق‌قلا



این هفته | توئیترگردی!

قسمت جالب امپراطوری رسانه‌ای آمریکا فقط اونجایی که برای تثبیت دولت جدیدش و برقراری امنیت رسانه‌ایش در جهان، حتی ریزاخبار انتصابات دولت بایدن توکانالای خبری انقلابی ما هم منعکس میشه! خداقوت رسانه‌های انقلابی!

سیمرغ قاف نشین

ظریف گفته که ۳۰ سال است که بایدن را می‌شناسد... مشکل اینجاست که ما، ۳۰ سال که هیچ، ۴۰ سال هست که ظریف و دوستان لیبرالیش را می‌شناسیم و امیدی به این آشنایی نداریم!

آسید

امیدی که لیبرال‌های ما به دموکرات‌های آمریکا دارن، آگه به توان داخلی داشتن، الان این ما بودیم که داشتیم آمریکا رو تحریم می‌کردیم نه اونا!

انسیه ملاح

ربیعی: سیاست‌مان را فارغ از انتخابات‌ها ادامه خواهیم داد! راست می‌گوید؛ اوپاما باشد دنبال مذاکره‌اند؛ ترامپ باشد دنبال مذاکره‌اند؛ بایدن باشد دنبال مذاکره‌اند؛ و... غریزده‌ها راهی جز التماس به غرب بلد نیستند.

علیرضا گزائی

زمان اوپاما بدترین تحریم‌ها رو علیه ایران اجرا کردند، یعنی باقی مانده بلایی که سرمون نیاوردن رو با اومدن بایدن روی کارمیخوان سرمون بیارن! برعکسش هم تو ایران اتفاق افتاد تمام اعضاستاد موسوی که اون زمان قرار بود کشور رو به خاک سیاه بنشوند همه الان تو کابین دولتند یکی زودتر یکی دیرتر

ملیکا مهدوی

آی مردم، هرکس وعده مذاکره موفق با آمریکا به شما داد، به دنبال خیانت به کشور و ملت است، در هر جریان و سلک و کسوتی که باشد (اصلاح‌طلب، اصول‌گرا، جهادی و ...) گول #بلدم_بلدم یک گروه دیگر را نخورید!

حجت عبدالملکی

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

مدیر مسئول: سهیل حجتی | سردبیر: محمد جواد کریمیان | نشریه دانشجویی حنیفا

hanifamag.atu@gmail.Com | hanifamag | ۰۹۳۸۷۲۵۹۴۲۸